

انجیل دیگری نیست درس ۱۲: احیای سخاوتمندانه درک توماس

ما در جلسات پایانی هستیم. باب ۶ از غلاطیان و این درس دوازدهم. در واقع، می‌خوایم برگردیم و آخرین آیه‌ی باب ۵ رو بخونیم، «لافزن مشویم تا یکدیگر را به خشم آوریم و بر یکدیگر حسد بریم. اما ای برادران، اگر کسی به خطایی گرفتار شود، شما که روحانی هستید چنین شخص را به روح تواضع اصلاح کنید. و خود را ملاحظه کن که مبدا تو نیز در تجربه افتی.» ما در این جلسه تا آیه‌ی ۵ ادامه می‌دیم.

به‌نوعی، شاید حالا پولس به مسائل خاص در کلیسای غلاطیه اشاره می‌کنه. او به مسئله‌ی عادل‌شمردگی به‌وسیله‌ی ایمان رسیدگی می‌کرد. درباره‌ی شریعت‌گرایی صحبت کرد. یه گروهی که اسمشون رو یهودی‌گران گذاشتیم، وارد شدند و اقتدار پولس رو تضعیف کردند و اصرار داشتند که شاید مخصوصاً مسیحیان غیریهودی باید از شریعت خاص عهدعتیق، شریعت غذا و ختنه اطاعت کنند.

اشاره به مسائل تقویمی، رعایت روزها و اعیاد خاص رو در تقویم عهدعتیق دیدیم و الی آخر؛ همه‌ی این‌ها، آزادی‌ای رو که مسیح برای این مسیحیان خریداری کرد، آزشون دزدید و فریاد عظیم آیه‌ی یک از باب ۵ اینه، «به آن آزادی که مسیح ما را به آن آزاد کرد.»

پس بخش زیادی از این نامه در دفاع از عادل‌شمردگی فقط به‌وسیله‌ی ایمان و بدون اعمال شریعت و پولس اینو به الهیات تبدیل کرده. درباره‌ی نقش و عملکرد شریعت توضیح داده، اما در این دو باب آخر می‌خواد کاملاً متفاوت عمل کنه و درباره‌ی این صحبت کنه که اطاعت انجیل چه شکلیه. او درباره‌ی قدوسیت و هدایت شدن توسط روح در به بار آوردن ثمرات روح و به مرگ سپردن بعضی از اعمال پلید و گناهان صحبت کرد و فهرستشون رو عنوان کرد. اما حالا نسبتاً مشخص صحبت می‌کنه، «لافزن مشویم تا یکدیگر را به خشم آوریم و بر یکدیگر حسد بریم.»

اینجا یه پیشنهاد هست؛ پولس با کلماتی که استفاده می‌کنه، دو نوع افراد رو در جماعت تجزیه و تحلیل می‌کنه. «لافزن مشویم» کنوداکسو، کلمه‌ی یونانیه و کلمه‌ای که به‌طور تحت‌اللفظی می‌تونه به‌معنای «عاری از حرمت» باشه. کسانی نباشید که به خودشون بی‌حرمتی می‌کنند. شما چطوری به خودتون بی‌حرمتی می‌کنید؟ من آیه‌ی ۲۶ رو یه توضیح اضافه می‌دونم، یعنی «لافزن مشوید.»

به دو طریق می‌تونید لافزن بشید؛ همدیگر رو به خشم بیارید و به همدیگه حسادت کنید. پس خشمگین کردن همدیگه، حسادت به همدیگه، توضیح می‌ده که چطوری می‌تونیم بی‌حرمت بشیم. بیایید به این دو کلمه رسیدگی کنیم، خشمگین کردن همدیگه، حسادت به همدیگه. این دو متضادند. خشمگین کردن همدیگه، برگرفته از خُلق و خوی هست که خودش رو برتر از دیگران می‌دونه و همدیگر رو خشمگین می‌کنند.

حسادت، برعکسه. این برگرفته از خُلق و خوی هست که از خودش مطمئن نیست و بنابراین به عطایا یا استعدادها یا مشیت الهی دیگران حسادت می‌کنه. می‌تونیم بگیم یکی عُقده‌ی برتری هست و دیگری عُقده‌ی حقارت. درک می‌کنید که این چه ارتباطی با چیزی داره که پولس در کل نامه به غلاطیان گفته؛ اگه شرح حالتون و ادراکتون در مورد خودتون، بر اساس اعمال باشه، اگه فکر کنید خیلی کارها انجام دادید، دیگران رو کوچیک می‌بینید و اون‌ها رو به خشم می‌آرید. اگه احساس کنید به اندازه‌ی کافی اعمال خوب انجام ندادید، احساس حقارت می‌کنید و به چیزی که در دیگران می‌بینید، حسادت می‌کنید.

به‌نوعی، هر دوی این‌ها، شکل ظاهری سوءتفاهم درباره‌ی انجیله. پس بیایید کمی جلوتر بریم؛ نمی‌خوام کاری کنم که پولس نوعی درمان‌گر یا این چیزها به نظر برسه، بلکه به نظرم مشروعه که ببینیم چرا پولس اینجا اینو به غلاطیان می‌گه. شما به‌طور طبیعی چه کار می‌کنید؟ فریاد می‌زنید یا آروم می‌کنید؟ مشاجره می‌کنید یا در خودتون فرو می‌رید؟ عصبانی و قضاوت‌کننده می‌شید یا حالت تدافعی پیدا می‌کنید و بهونه‌های زیاد می‌آرید؟

این‌ها کاملاً مخالف همدیگه‌اند؛ اما هر دو، خطاهایی در درک انجیله. چون چطوری در خودمون به آرامش برسیم؟ چطوری بفهمیم که باید کجا باشیم؟ بیایید به دقیقه، از این عبارت امروزی استفاده کنیم، «با خودتون راحت باشید»، با هویتتون راحت باشید، با شخص خودتون راحت باشید.

این مشکل انجیله، چون زمانی با خودمون در آرامشیم که بدونیم کی هستیم، در مسیح کی هستیم؛ به‌عنوان کسانی که باز خرید شدیم، به‌عنوان کسانی که با مسیح مصلوب شدیم، به‌عنوان کسانی که با مسیح متحد شدیم، به‌عنوان کسانی که خدا ما رو بخشیده. ما فرزندان خدا و وارثان و هم‌ارث با عیسی مسیح هستیم. من هویتم رو از اینجا می‌گیرم. هویتم رو از این نمی‌گیرم که عطایای این شخص یا اون شخص رو دارم؛ اگه فکر کنید برتر هستید، به یه شکل عمل می‌کنید و اگه فکر کنید کوچیک هستید، به یه شکل دیگه عمل می‌کنید.

پس به نظرم، پولس به‌نوعی به‌طور کاربردی، اصلی رو به‌کار می‌بره که در سراسر این رساله روی اون کار می‌کرد و اینجا دو حالت کاملاً متفاوت داریم. یکی اخلاق‌گراییه، تأیید از طریق حفظ قوانین. دیگری لذت‌گراییه؛ شما با حفظ قوانین خداحافظی می‌کنید و در این فرایند دیگران رو پایمال می‌کنید. پس این به موضوعی رهنمون می‌شه که او باید در بخش آغازین باب ۶

بگه. یکی مربوط به دیدگاهتون نسبت به خودتونه. این آیه‌ی آخرِ باب پنجه. شما خودتون رو چطوری می‌بینید؟ خودتون رو از منظر انجیل می‌بینید؟ خودتون رو از چشم مسیح می‌بینید؟

باب ۶، آیه ۱، برعکسه؛ دیگران رو چطوری می‌بینید؟ «اما ای برادران، اگر کسی به خطایی گرفتار شود، شما که روحانی هستید؛ اینجا منظورش این نیست که «کسانی که خیلی روحانی هستید و فکر می‌کنید برتر از دیگران هستید.» منظورش این نیست؛ بلکه از این جهت که در قرن‌تیاَن گفته روح‌القدس در ما ساکنه؛ بنابراین، ما روحانی هستیم. از جسم نیستیم. از روح هستیم و روح‌القدس در ما ساکنه و با روح هدایت می‌شیم و میوه‌های روح رو به بار می‌آریم. از این دنیا نیستیم، از دنیای آینده هستیم.

ما در آدم نیستیم. در مسیح هستیم، از این لحاظ روحانی هستیم. «اگر کسی به خطایی گرفتار شود، شما که روحانی هستید چنین شخص را به روح تواضع اصلاح کنید. و خود را ملاحظه کن که مبادا تو نیز در تجربه افتی.» حُب، بیایید به لحظه اینو باز کنیم. جالبه که از کلمه‌ی «تواضع» استفاده می‌کنه و در باب ۵، آیه ۲۳ متوجه شدید که تواضع، میوه‌ی روحه. همچنین، جالبه که این یکی از طریق‌هایی هست که عیسی خودش رو معرفی کرد، «من حلیم و افتاده‌دل می‌باشم.»

پس عیسی خیلی در انجیل درباره‌ی خودش یا شخصیتش صحبت نمی‌کنه؛ اما در این مورد، کمی درباره‌ی شخصیتش می‌گه. اگه می‌خواید او رو توصیف کنید، او چطوری بود؟ می‌گید «او ملایم بود.» یه سرودی هست که گاهی اوقات می‌خونیم و این به جان کلون نسبت داده شده و درباره‌ی ملایمت و تواضع عیسی صحبت می‌کنه. او یه ملایمتی داشت. حالا عیسی می‌تونست قوی باشه و قطعاً چیزهای خیلی قدرتمندی بگه.

ما نباید اینجا شخصیت عیسی رو خدشه‌دار کنیم، اما او یه خصوصیتی داشت و اگه زمانی رو در حضورش سپری می‌کردید، می‌گفتید او یه روح ملایم داشت و این میوه‌ی روحه. پس پولس کسی رو نشون می‌ده که در خطایی گرفتار شده، یه کاری کرده و شاید مخفی بوده و شاید خودش هم خبر نداشته و حتی آزش آگاه نبوده، اما رو شده. شما چه واکنشی نشون می‌دید؟ اونو توی فیس‌بوک می‌ذارید؟ در توئیتر می‌ذارید؟ با دوستانتون تماس می‌گیرید و می‌گید، «می‌دونی فلانی چی کار کرد؟» در موردش غیبت می‌کنید؟ پیغام می‌دید و یه پیغام گروهی به بعضی از دوستانتون می‌فرستید و این گناه برادرتون رو افشا می‌کنید؟

حُب، این یه واکنشه. در متی ۱۸ عیسی می‌گه، «اگر برادرت به تو گناه کرده باشد، برو و او را میان خود و او در خلوت الزام کن.» اگه تو رو آزرده، برو و اینو درست کن. به دنبالش برو و اگه شما رو قبول نکرد، یه نفر دیگه رو با خودتون ببرید. یه راهی هست؛ در نود و نه مورد از صد مورد، این برطرف می‌شه و با ملایمت و آرامش و با شبانی و دیدگاه احیاکننده، دیدگاه اصلاح، شکافی که در نتیجه‌ی این خطا ایجاد شده، برطرف می‌شه.

اما بعضی فکر می‌کنند متی ۱۸ برای همه، غیر از خودشون کاربرد داره. اون‌ها حق دارند این موضوع رو عمومی کنند، حس عدالتشون رو بدون صحبت با کسی که بهشون خطا کرده، به رخ بکشند؛ بدون تلاش برای اینکه بفهمند آیا شرایطی هست که بشه این خطا رو کمتر مشکل‌ساز کرد. «شما که روحانی هستید چنین شخص را به روح تواضع اصلاح کنید.» این انگیزه‌ی انجیله، چون در واقع، شما دقیقاً مثل همون شخص هستید. اگه به خاطر فیض خدا نبود، من هم گرفتار می‌شدم.

«و خود را ملاحظه کن که مبدا تو نیز در تجربه افتی.» بدونید که این گناه هرچی که باشه، این خطا هرچی که باشه، یه داستانی پشتشه، این یه داستان شخصیه. یه شرایطی هست. زود قضاوت نکنید. به دنبال احیا باشید، نه محکومیت. به دنبال اصلاح باشید، نه بدتر کردن و جدا کردن؛ چون گناهان شما هم بخشیده شده. شاید این گناه نبوده، شاید این خطا نبوده، اما خدا گناهان شما رو بخشیده. پس بخشاینده باشید، احیاکننده باشید، کسی که شفا می‌ده، کسی که ملایمه.

خُب، شما رو نمی‌دونم، اما من فکر می‌کنم این کمی منو اذیت می‌کنه و به‌نوعی مداخله می‌کنه، این طور نیست؟ به‌نوعی، تندی این کاربرد رو احساس می‌کنید. ما زود قضاوت می‌کنیم. فوراً می‌خوایم به دیگران بگیم، به‌جای اینکه نزد اون شخص بریم و به دنبال شفای سریع باشیم. بیایید چند تا سؤال رو اینجا از خودمون بپرسیم. «بارهای سنگین یکدیگر را متحمل شوید و بدین نوع شریعت مسیح را به‌جا آرید.»

این خطا، ناچیزه یا جدی؟ بر دیگران تأثیر می‌ذاره، یا فقط بر شما و شاید یک یا دو نفر دیگه تأثیر می‌ذاره؟ از ۱ تا ۱۰ در کجا قرار می‌گیره؟ اول پطرس ۴: ۸، «محبت کثرت گناهان را می‌پوشاند.» خطاها و گناهانی هست که محبت اون‌ها رو می‌پوشونه. اون‌ها رو در فیس‌بوک نمی‌ذارید. در توئیتر نمی‌ذارید. در موردشون پیغام نمی‌دید. یه چراغ نمی‌ذارید که روی اون نور بتابونید و چیزی رو نشون بدید که خلاف حقیقته. محبت، کثرت گناهان رو می‌پوشونه.

اگه به دنبال گناه دیگران می‌رفتیم، کار دیگه‌ای نمی‌تونستیم بکنیم. این شب و روز ما رو پُر می‌کرد. خطاها درجاتی دارند. بعضی خطاها رو فقط می‌پوشونید. محبت اون‌ها رو می‌پوشونه. آژشون چشم‌پوشی می‌کنید و به دنبال این نیستید که در کلیسای مسیح شکاف ایجاد کنید. اول قرن‌تیاں ۱۳ چی می‌شه، محبت حساب خطاها رو نگه نمی‌داره. خُب، در کلیسا کسانی هستند که می‌خوان حساب این‌ها رو نگه دارند. می‌خوان افشا کنند. می‌خوان در اینترنت بذارن. می‌خوان در موردش با دیگران صحبت کنند.

محبت، حساب خطاها رو نگه نمی‌داره، چون شما هم، گناهاتون بخشیده شده و خدا اون‌ها رو فراموش کرده. اون‌ها دفن شدند؛ چنانکه گاهی می‌گیم در دریای فراموشی خداست و هرگز دوباره مطرح نمی‌شه. خدا گناهاتون رو به یاد نمی‌آره، «اینو، اونو یادته؟ هرگز اونو فراموش نمی‌کنم.» بعضی ازدواج‌ها این‌طوری هستند، مگه نه؟ مردم هرگز چیزی رو که چندین سال پیش

انجام شده، فراموش نمی‌کنند و این مثل ابزاری برای باج‌خواهی. هر بار که کارها مطابق خواسته‌تون پیش نمی‌ره، دوباره اینو مطرح می‌کنید و هرگز واقعاً بخشیده نمی‌شه و هرگز واقعاً فراموش نمی‌شه.

یک بار با ایمانداری ملاقات کردم که هرگز چیزی رو که اتفاق افتاده بود، فراموش نکرده بود و این چهل سال پیش اتفاق افتاده بود. هر بار، هردفعه که به دیدنش می‌رفتم، فقط درباره‌ی این حرف می‌زد. زندگی‌اش در اسارت بود. زندگی‌اش فلاکت‌بار بود. خوشی و مبارک‌بادی رو نداشت، چون نمی‌تونست این موضوع رو رها کنه؛ هر موضوعی که بود، سی یا چهل سال پیش اتفاق افتاده بود. یه نفر یه چیزی بهش گفته بود که اشتباه بود، اما او هرگز نبخشیده بود.

پولس اینجا می‌گه، «وقتی انجیل رو درک می‌کنید، وقتی عادل شمردگی فقط به وسیله‌ی ایمان و بدون اعمال شریعت رو درک می‌کنید، باید مطابق اون زندگی کنید.» در قضاوت و ارزیابی دیگران، مطابق اون زندگی کنید. اگه این جرم علیه شماست، پس اونو ببخشید. برید و اون شخص رو ببینید و در موردش حرف بزنید و ببخشید و ببوشونید و رها کنید. اگه این بر دیگران تأثیر می‌ذاره، این کمی پیچیده‌تر می‌شه. اما همچنان، انگیزه و هدف، شفاست، احیاست. شما که روحانی هستید، شما که روح‌القدس در شما ساکنه، این شخص رو با روح تواضع اصلاح کنید.

خُب، شاید این چیزیه که باید از خودمون بیرسیم. آیا ما احیاکننده‌ایم یا می‌خوایم همه چیز رو خراب کنیم؟ آیا می‌خوایم با ملایمت احیا کنیم؟ این عمل انجیله. این عادل شمردگی به وسیله‌ی ایمانه. پس در آیه‌ی ۲، «بارهای سنگین یکدیگر را متحمل شوید» یا «بارهای سنگین یکدیگر را حمل کنید.» کنار دیگران بایستید. آیا شما متهم می‌کنید، از دور فریاد می‌زنید و متهم می‌کنید؛ یا می‌آیید و می‌گید، «بین، برادر عزیزم، متأسفم. می‌فهمم در چه شرایطی هستی.» و این شخص رو بغل می‌کنید و کمکش می‌کنید که دوباره روی پاهاش بایسته و کارهای لازم رو انجام بده تا احیا بشه. اما شما اونجا هستید و دستتون آماده‌اس که دست او رو بگیره و بیرون بیاره. آیا شما کسی هستید که وقتی یه مسیحی می‌آفته، تو دهنش می‌کوبید یا دستتون رو دراز می‌کنید و دوباره او رو بلند می‌کنید؟»

«زیرا اگر کسی خود را شخص گمان برد و حال آنکه چیزی نباشد، خود را می‌فریبد.» این اصل رو می‌بینید؟ کسی که فکر می‌کنه حس ارزش و ارزش شخصی‌اش بر اساس شریعت، اطاعت. فکر می‌کنه یه کسیه و حالا غرور میاد؛ او بهتر از دیگرانه. یعنی می‌خواد به گناه دیگران اشاره کنه تا خودش بهتر دیده بشه. این تحریف انجیله. تحریف عادل شمردگی به وسیله‌ی ایمانه. «اما هرکس عمل خود را امتحان بکند، آنگاه فخر در خود به تنهایی خواهد داشت نه در دیگری.» نه در مقایسه، نه در کوچیک کردن همسایه‌تون برای اینکه خودتون رو بلند کنید.

خُب، یه کلیسایی در استونی استرت‌فورد هست. من در دهه‌ی هفتاد اونجا زندگی کردم، این یه کلیسای باپتیست کوچیک در باکینگهام‌شایره. این عهدی هست که با هم بستند: «با محبت به سراغ کسانی بریم که از طریق پیوند مشارکت مسیحی با او

در ارتباط هستیم. وقتی فرصتی پیش اومد، برای اهداف مذهبی با هم جمع بشیم. کسانی که شرایط زندگی شون از لحاظ نیکویی‌های مشیت الهی، راحت‌تر از بعضی از برادران ماست، مطابق توانشون عمل خواهند کرد و احتیاجاتشون رو برطرف خواهند کرد.

ما بارهای یکدیگر رو متحمل می‌شیم، با رنج‌دیدگان در بدن همدردی می‌کنیم و تا جایی که از شرایطشون در سختی‌ها آگاه هستیم، به اون‌ها رسیدگی می‌کنیم؛ و در بعضی شرایط هشدار می‌دیم و نصیحت می‌کنیم و همدیگر رو تشویق می‌کنیم. برای خیریت از همدیگه مراقبت می‌کنیم. تلاش می‌کنیم که آزرده نکنیم یا آزرده نشیم. بنابراین، سعی می‌کنیم شریعت مسیح رو به تحقق برسونیم.» این عهدشون بود که هر سال تکرار می‌کردند و این چیزیه که پولس اینجا در آیات آغازین باب ۶ می‌گه. اما چیزهای بیشتری هست و ما چند جلسه‌ی دیگه با هم داریم و خودمون رو به آخر غلاتیان باب ۶ می‌رسونیم.